استقلال خپلواکی
www.esteqlaal.net

"لمبه رنگریز" – فیسبوک،- "ن. جلیل زاد"- افغان- جرمن آنلاین دوشنبه ۱۶ نوامبر ۲۰۲۶

ترازوی عدالت، ترازوی قدرت:"قدرت ترازو ندارد"

درنگی حقوقی در"بر" اندیشهٔ دوکتور استاد تره کی

۱۵ نوامبر ۲۰۲۶

دفاعِ مشروع یا مصونیتِ تعدّی؟"مصؤنیت تعدی" عبارت **«مصونیتِ تعدّی»** در زبان فارسی ترکیب متداولی نیست و در متون حقوقی یا ادبی، به جای آن معمولاً از اصطلاح **«مصونیت از تعرّض»** استفاده می شود یا خود اصطلاح**«تعدّی»** به تنهایی در برابر «مصونیت» قرار می گیرد.( فرهنگ لغات آبادیس)

خونِ بی گناه و حقِ دفاع:

میزانِ عدالت و میزانِ قدرت."عدالت خودش میزان است."

درنگی حقوقی در"بر" مقالهٔ دوکتور استاد عثمان تره کی.

در سنت حقوق بین‌الملل، لغت «دفاع» از شریف ترین لغت ها است، زیرا به مظلوم اجازه می دهد در برابر ستم بایستد.

اما هر لغتی شریف می تواند در دست قدرت به جامه ای برای پوشاندن تعدّی بدل شود.

استاد دکتور عثمان تره کی، حقوق دان توانا و اندیشمند ارجمند افغان، در مقالهٔ خود به همین نقطهٔ حساس دست می نهد و می پرسد:"اشاره میکند، تأکید میکند"

آیا آنچه امروز «حق دفاع» خوانده می شود، همواره ترازوی عدالت است، یا گاه ترازوی قدرت؟

زمینهٔ واقعی پرسش روشن است.

معاون وزیر خارجهٔ امریکا پس از گفت وگو با همتای پاکستانی خود، حمایت واشنگتن از حق پاکستان برای دفاع در برابر حملات طالبان را اعلام کرد.

از آن سو، یوناما بیش از هزار و صد تلفات ملکی ناشی از خشونت های برون مرزی را در همین سال ثبت کرده است و همهٔ تلفات ملکی برون مرزی سه ماههٔ اپریل تا جون را به نیروهای امنیتی پاکستان نسبت داده است.

دیده بان حقوق بشر نیز خواستار تحقیق بی طرفانه دربارۀ جنایات جنگی احتمالی شده است، در حالی که پاکستان هدف گیری غیرنظامیان را انکار می کند و می گوید پناهگاه های شورشیان را می زند"هدف قرار می دهد"

مقالۀ استاد در همین شکاف میان ادعا و سند جای می گیرد."نوشته نمی تواند شگاف داشته باشد."

نخستین گام استدلال او این است که موضع امروز امریکا را نمی توان از دو دهه حضور و مداخله جدا دید.

این ملاحظه از منظر منطق تاریخی استوار است , قدرتی که بیست سال در این سرزمین جنگیده، در سرنوشت آن بی طرف نیست.

حقوق بین‌الملل نیز سکوت و تأیید را بی اثر نمی انگارد.

مادۀ شانزدهم مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل دربارۀ مسئولیت دولت ها، کمک به عمل متخلفانۀ دولتی"دولت" دیگر را مستوجب مسئولیت می شمارد.

هرچند تعیین آستانۀ این مسئولیت به ارزیابی دقیق نیاز دارد، پرسشی که استاد گرامی مطرح می کند، پرسشی بجا و شایستۀ تأمل است.

بر همین بنیاد، استاد حمایت از حملات در پکتیکا، پکتیا و کنر را نوعی تأیید ضمنی حمله به غیرنظامیان می داند.

منشور ملل متحد در مادۀ دوم، بند چهارم، توسل به زور علیه تمامیت ارضی کشورها را ممنوع کرده و مادۀ پنجاه ویکم تنها در برابر حملۀ مسلحانه استثنایی موقت و مشروط به ضرورت و تناسب می پذیرد. دفاع مشروع، سند برائت بمباران یک روستا و مردمان بی دفاع نیست.

محور عاطفی و حقوقی مقاله، سرنوشت غیرنظامیان است و در همین‌جا قوی ترین استدلال استاد شکل می گیرد.

اصول تفکیک، تناسب و احتیاط، که در پروتوکول اول الحاقی به کنوانسیون های ژنیف و حقوق عرفی بشردوستانه ریشه دارند، تصریح می کنند که کودک خفته در خانۀ روستایی هرگز هدف مشروع نیست. وقتی گزارش های یوناما از زنان و کودکان کشته شده سخن می گوید، بحث از مقولۀ «تلفات جانبی» به مقولۀ «مسئولیت» می رسد.

حق با استاد گرامی است که قربانیان را در مرکز قاب نشانده است."در مرکز توجه و دقت"

از این‌جا مقاله به پیامدهای ستراتژیک می رسد.

به باور استاد، همسویی واشنگتن و اسلام آباد به جای آن که امنیت بیافریند، بی ثباتی را عمق می دهد.

تجربهٔ تاریخی منطقه این داوری را تأیید می کند:

خشونتِ برون مرزی، حاکمیتی را که باید پاسخ گو باشد به موضع دفاعی می راند و فضا را برای افراط می گشاید.

او همچنین هشدار می دهد که فرسایش مداوم می تواند توان مقاومت طالبان را بکاهد و زمینه را برای ظهور بدیل هایی فراهم آورد که به کار بازیگران بیرونی بیاید. چنین هشداری در علوم سیاسی ریشه دارد، زیرا مداخلهٔ خارجی همواره از شکاف های درونی تغذیه کرده است.

آنچه بر اعتبار اخلاقی مقاله می افزاید، انصاف نویسنده ای سترگ ما جناب پروفیسور است.

او تنها بر بیگانگان نمی تازد و حکومت طالبان را نیز مسئول بخشی از وضعیت می داند.

به باور او، حکومتی که معیارهای شمول و مشروعیت درونی را برنتابد، سپر اخلاقی خود را سست می کند و بهانه به دست مداخله گر می دهد.

این اصل، هم خوان با دکترین حاکمیت است که حقوق ملت را نه جدا از حقوق دولت، که شرط آن می شناسد.

استاد همچنین به خلأ توافق دوحه اشاره می‌کند:

مطالبهٔ پی گیری جنایات جنگی و غرامت از امریکا در آن مذاکره جایی نیافت و این خاموشی، فایده را به طرف مقابل بخشید. در حقوق مسئولیت بین المللی، جبران خسارت و تعقیب عدالت از حقوق بنیادین قربانی است و فروگذاشتن آن در مذاکره، از دید ستراتژیک نیز بهایی سنگین دارد.

صدای مقاله به مرزهای سیاسی محدود نمی ماند.

استاد از آزادی‌خواهان پشتون و بلوچ یاد می کند که قربانی سیاست های قاتل و بی رحم پاکستان شده اند و تأکید می کند هر سنجش از سیاست امریکا در برابر اسلام‌آباد که این سابقه را نادیده بگیرد، ناقص است. این توجه به حق تعیین سرنوشت، که مرز جغرافیایی نمی شناسد، ارزش انسانی مقاله را دوچندان می کند.

نتیجه گیری او نیز دقیق است:

تکیهٔ واشنگتن بر شریکی که منافعش با او یکی نیست، پایدار نخواهد بود و در درازمدت، بیش از آن که افغانستان را بفرساید، نفوذ منطقه ای خود امریکا را خواهد فرسود.

اما درخور حرمت اهل علم آن است که با همان صمیمیتی که تحسین می شود، ملاحظه نیز طرح گردد.

نخست آن که پیوند حمایت امریکا با «انتقام از شکست»، فرضیه ای جذاب اما بی پشتوانهٔ سند مستقیم است.

چه نیکو می بود اگر این برداشت با صراحت در جایگاه «احتمال» می نشست و میان قرینه و دلیل، مرزی روشن کشیده می شد. دوم آن که تمرکز مقاله بر سیاست های امریکا و پاکستان، پیچیدگی های دیگر را کم رنگ کرده است:

ساختار درونی قدرت در افغانستان، نقش گروه های مسلح فراملی و حساسیت های امنیتی همسایگان.

پاکستان از تی‌تی‌پی شکایت دارد و کابل پناه دادن را رد می کند , تحلیلی جامع هر دو روایت را می سنجد، حتی اگر در پایان یکی را قوی تر بداند.

سوم آن که درد ملی نویسنده ای عزیز ما ، که ارزش مقاله است، گاه لحن سیاسی را بر زبان تحلیلی غالب می کند.؟!

اگر داوری ها با ارجاع به رویهٔ دیوان بین المللی دادگستری"محکمه"، گزارش های مستقل و داده های مقایسه ای استوارتر می شد، متن نه تنها دل هم دردان، که اقناع منتقدان را نیز می ربود."اقناع ربوده نمی شود، بلکه حاصل میگردد"

این ملاحظات از سر حرمت است و به شأن و وقار علمی استاد خللی نمی رساند.

مقالهٔ دکتور استاد عثمان تره‌کی، با دغدغهٔ غیرنظامیان، تکیه بر اصول حقوقی و شهامت در نقد دوسویه، متنی ارزنده و در خور تأمل است.

چنین نوشته ای ما را به یاد این حقیقت می اندازد که معیار هر سیاستی، نه قدرت صاحبانش، که کرامت قربانیانش است." این مقوله متعلق به چه کسی است؟"

یادداشت:

این مقاله بازتاب استدلال های استاد تره‌کی است و برخی از آن ها، به خصوص انگیزهٔ «انتقام» و اهداف پنهان، هنوز برداشت سیاسی اند نه واقعیت اثبات شده. واشنگتن و اسلام‌آباد در سوی دیگر می گویند هدفشان مقابله با حملات تروریستی علیه مردم پاکستان است، و کابل پناه دادن به شبکه های مسلح را رد می کند.

استاد دوکتور عثمان تره کی، در چشم همهٔ آنان که قلم او را می شناسند، نامی است آمیخته با وقار و فروتنی علمی و غیرت ملی. او اندیشمندی است که دانش حقوق را نه ابزار آرایش، که امانتی

برای دفاع از کرامت انسان می داند.

قلمش در سوگ غیرنظامیان می لرزد و در داوری، از نقد بیگانه و خویش، هر دو، باکی ندارد، و این، نشان صداقت و شرافت فکری است.

در مقالهٔ اخیرش نیز، دغدغهٔ مردم افغانستان را بر هر ملاحظهٔ دیگر مقدم داشته و حقیقت را، چنان‌که خود می فهمد، بی پروا به زبان آورده است.

نجابت یک اهل قلم در آن است که درد مردمش را ، درد خود بداند و در برابر ناحق خاموش ننشیند.

استاد تره کی چنین است:

دانشمندی دردآشنا، ملی اندیشی بلندنظر، و حقوق دانی که عدالت را میراث همگان می شمارد.

سلامتی، سربلندی و طول عمر و تندرستی او را آرزومندیم.

و اینهم لینک همین نوشته در سایت"افغان – جرمن" تحت نام "ن. جلیل زاد":

ترازوی عدالت، ترازوی قدرت :درنگی حقوقی در اندیشهٔ دوکتور استاد تره کی

---

هوش مصنوعی هنوز راه دراز، طولا و پر خم و پیچ پیشرو دارد...